

مبانی فلسفه علمی تفسیر سیاسی

محمد عابدی / استادیار و عضو هیات علمی گروه قرآن پژوهی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی

abedi.mehr@yahoo.com

دریافت: ۱۳۹۶/۰۵/۲۴ - پذیرش: ۱۳۹۶/۰۹/۲۲

چکیده

«تفسیر سیاسی»، بخشی از علوم انسانی اسلامی است که تاکنون تلاش ویژه‌ای برای ساماندهی آن به عمل نیامده، و سؤالات بسیاری پیرامون آن مطرح شده است. از جمله اینکه مبانی، اصول و قواعد معینی برای عملیات تفسیری، با رویکرد سیاسی را می‌توان معرفی کرد، این مبانی، اصول و قواعد کدام‌اند؟ گام نخست، معرفی «مبانی فلسفه علمی تفسیر سیاسی» پس، کشف مبانی دانشی و استخراج اصول و در نهایت، قواعد تفسیر سیاسی است. ناظر بر گام اول، فرضیه این است که می‌توان مبانی فلسفه علمی تفسیر سیاسی قرآن را کشف و معرفی کرد. جمع‌آوری اطلاعات این پژوهش، کتابخانه‌ای است و تحقیق به روش توصیف و تحلیل صورت گرفته است.

کلیدواژه‌ها: مبانی تفسیر، فلسفه علم، تفسیر سیاسی، فلسفه تفسیر سیاسی.

«تفسیر سیاسی»، بخشی از علوم انسانی اسلامی در حوزه سیاست و قوانین مرتبط با تدبیر حیات سیاسی است. تاکنون تلاش ویژه‌ای برای سامان دادن به آن در قالبی مستقل، به گونه‌ای که بر پایه مبانی، اصول و قواعد منظم و معتبر تولید شود و نیازهای نظام‌های اسلامی را برآورده نماید، به عمل نیامده است. نیازمندی مسلمانان به دانش سیاسی بر محور قرآن، ضرورت ادای تکالیف در حیات سیاسی برای مخاطبان، که با تفسیر سیاسی نظام‌مند حاصل می‌شود، ضرورت ابتدای نظام اسلامی برآموزه‌های سیاسی قرآن، از جمله این ضرورت‌هاست. افزون بر اینکه جلوگیری از سلطه علوم انسانی وارداتی در حوزه سیاست، بر مدیریت زندگی سیاسی، با معرفی دانش سیاسی قرآنی ممکن می‌شود و بروز بی‌نظمی در تفسیر سیاسی آیات به حداقل می‌رسد. در حالی که امروزه با آثار مختلفی روبرو هستیم که بدون ضابطه یا برای توجیه آرای خود، به برداشت‌های سیاسی از قرآن اقدام می‌کنند. اهمیت مطالب فوق، ما را در مقابل این سؤال قرار می‌دهد که آیا می‌توان در گام نخست، «مبانی فلسفه علمی تفسیر سیاسی» را تولید کرد تا در مراحل بعد، با تولید مبانی دانشی (همچون مبانی هستی‌شناختی، خداشناختی، معرفت‌شناختی، ...)، اصول و قواعد، قدم‌های دیگری برای تولید دانش تفسیر سیاسی برداشته شود؟

به بیان دیگر، تفسیر سیاسی نوعی رویکرد به تفسیر، با هدف دستیابی به آموزه‌های قرآن در مورد حیات سیاسی است. هنگامی که مفسر با این رویکرد به تفسیر می‌پردازد، رویکرد سیاسی وی موجد مبانی و اصول متفاوتی خواهد بود؟ به نظر می‌رسد، وقتی رویکرد مفسر، سیاسی شود، مدل‌های تولید شده در این کلان‌بینش تفسیری، متاثر از مجموعه‌ای از مبانی و اصول و قواعد خواهد بود. این امر وجه ممیزه تفسیر سیاسی از دیگر رویکردهای تفسیری را توضیح خواهد داد. رسالت تحقیق، پیشنهاد هندسه بخشی از این مبانی (مبانی فلسفه علمی تفسیر با رویکرد سیاسی) است.

۱. کلیات و مباحث مقدماتی مبانی تفسیر سیاسی

با اینکه عملیات تفسیری، در طول تاریخ در ابعاد مختلف اعتقادی، فقهی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی پیگیری شده و برای برخی همچون تفسیر روایی (فاکر میدی، ۱۳۹۱)؛ فقهی، تنزیلی (بهجت‌پور، ۱۳۹۲) و فلسفی (فلاح‌پور، ۱۳۸۹) مبانی، اصول و قواعدی تنظیم شده و عموماً به صورت دانش‌های تفسیری مطرح شده‌اند، ولی تفسیر سیاسی، به‌رغم نیازمندی برآمده از تشکیل دولت‌های اسلامی، چنین سازمانی نیافته است. از این‌رو، تلاش می‌شود مبانی فلسفه علمی تفسیر سیاسی پیشنهاد گردد. فرضیاتی در مورد دانش تفسیر سیاسی می‌توان مطرح کرد. از جمله، این تفسیر مانند تفسیرهای اجتماعی، به دلیل «عدم جامعیت قرآن در عرصه حیات اجتماعی»، قابل ارائه و موجه نیست. و رسالت اصلی انبیا و هدف قرآن، معنابخشی به زندگی انسانی است. انسان خود می‌تواند نظام‌های اجتماعی و اقتصادی و سیاسی را به شکل صحیحی برگزیند و به کار گیرد. بنابراین، شأن قرآن، ساختن بُعد معنوی آدمی، نه بیان نظام‌های اجتماعی، است (بازرگان، ۱۳۷۷، ص

۸۰۶۰؛ یا تفسیر سیاسی، قابلیت تبدیل به دانش مستقل مانند تفسیر عرفانی، فلسفی، روایی، تنزیلی، و... را ندارد. این تفسیر، فاقد حجیت لازم برای عمل به برون داده‌های تفسیری در حیات سیاسی است. در مقابل، با این فرضیه که «با ارائه مبنای فلسفه علمی برای تفسیر سیاسی قرآن کریم، می‌توان گام نخست معرفی دانش تفسیر سیاسی را برداشت»، به طرح بحث پرداخته و به فرضیات مذکور نیز پاسخ می‌دهیم.

پیشینه تحقیق در فلسفه تفسیر سیاسی

اندیشه درباره تفسیر سیاسی غیرمستقل (به دلیل جامعیت قرآن)، به دوران آغازین تفسیر برمی‌گردد. آیات مربوط به حکومت انبیای الهی، از جمله پیامبر اکرم ﷺ و مبارزات آنان با حکومت‌های نامشروع و ده‌ها مسئله سیاسی، مانند جهاد، بیعت، شوری، ارتداد، نفی سبیل، هجرت، ارتباط با حکومت‌های خارجی، قرآن کریم را برخوردار از ظرفیت عظیم تفسیر سیاسی کرده، به گونه‌ای که مفسران در لابه‌لای تفاسیر، به تفسیر آنها همت گماشته‌اند. عموم تفاسیر تربیتی جامع، از بدو رواج تفسیر نگاری، به این دست مطالب پرداخته‌اند و تفاسیر موضوعی در روزگار ما، به صورت خاص به موضوعات سیاسی اشتیاق نشان داده‌اند، مانند رشید رضا در *المنار*، سیدجمال و عبده، شیخ احمد مصطفی مراغی در *تفسیر مراغی*، سیدقطب در *فی ظلال القرآن*، قاسمی در *محاسن التأویل*، علامه طباطبائی در *المیزان*، آیت‌الله مکارم شیرازی در *تفسیر نمونه* و پیام قرآن، آیت‌الله سبحانی در *منشور جاوید*، آیت‌الله طالقانی در *پرتوی از قرآن*، محمد جواد مغنیه در *الکاشف*، سیدمحمدحسین فضل‌الله در *من وحی القرآن*، شهید محمدباقر صدر در آثار متعدد مثل *عناصر المجتمع فی القرآن الکریم*، *بناء المجتمع الاسلامی*، آیت‌الله مصباح در *جامعه وتاریخ در قرآن* و...، شهید سیدمحمدباقر حکیم در *جامعه انسانی از دیدگاه قرآن* و...، و شهید مطهری و آیت‌الله جوادی آملی در آثار متعدد، امام خمینی رضی الله عنه نیز در *عمل، قرآن و تفسیر سیاسی* آن را وارد حیات اجتماعی، سیاسی مسلمانان کرد. و مقام معظم رهبری، علاوه بر میدان عمل در آثاری به این موضوع پرداخته‌اند. مانند کتاب *طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن* (ر.ک: حسینی خامنه‌ای، ۱۳۹۲) و قرآن کتاب زندگی در آینه نگاه رهبر معظم انقلاب (حسینی خامنه‌ای، ۱۳۸۶؛ ر.ک: مهاجرنیه، ۱۳۹۳).

روشن است اینها غیر از تفاسیر سیاسی است که دچار خطاهای فاحش شده‌اند. مانند تفاسیر سیاسی گروه فرقان (نجم‌الدین، بی‌تا، ص ۱۹۰۹-۳۳؛ داوودی، بی‌تا، ج ۱، ص ۱-۱۲ و ۲۷ و ۸۷ و ۱۰۳) و منافقان خلق (حنیف‌نژاد، بی‌تا، ص ۲۶۴ و ۸۰-۱۹۵ و ۲۰۰)، که در کتاب *تفسیر سیاسی در ایران معاصر*، ضمن نقل موارد متعددی از تفاسیر دو گروه، به نقد روش شناختی تفاسیر سازمان مجاهدین (خان‌محمدی، ۱۳۹۲، ص ۳۷۴)، تفاسیر گروه التقاطی فرقان (همان، ص ۳۹۳) اشاره شده است.

با این حال، تاکنون هیچ تحقیقی ارائه نشده که در پی سامان‌دهی به تفسیر سیاسی برآید. حتی در سطح پایان‌نامه‌ها و مقالات، کاری قابل معرفی یافت نشده است. مگر بتوان از روی تسامح، از برخی پایان‌نامه‌ها مانند نقش جریانات سیاسی بر تفسیر و مفسران در زمان پیامبر، صحابه، و تابعین نوشته علیرضا رستمی یا کتاب‌هایی مثل *تفسیر سیاسی قرآن در ایران معاصر* نام برد (همان، ۱۳۹۲)، اما وی نیز از حیث فقر مبنای و اصول و قواعد

نظام‌مند، در عملیات تفسیر سیاسی، در صدد بررسی بر نیامده است. از کتاب مبانی معرفتی تفسیر سیاسی قرآن نیز باید نام برد (حسینی و جمعی از پژوهشگران، ۱۳۹۲) که چند مقاله در این زمینه را گردآورده و گامی در این مسیر برداشته است. تحقیق نگارنده نیز می‌تواند در نگارش مبانی دانشی تفسیر سیاسی مورد استفاده قرار گیرد. این میزان از کم‌پیشینگی، ضرورت تحقیق در این عرصه را روشن می‌سازد.

مفهوم‌شناسی

مراد ما از فلسفه «تفسیر سیاسی»، مجموعه مباحث پیرامون تفسیر سیاسی مانند ضرورت، امکان، حجیت، مشروعیت، جواز، مبانی، اصول، قواعد، هدف، فایده‌مندی و... است که مفسر پیش از ورود به تفسیر سیاسی، آنها را می‌پذیرد و عملیات تفسیری خود را با لحاظ آنها سامان می‌دهد. اصطلاح «مبانی»، کاربردهای متعددی دارد، مثل ملاک و مبادی، دلایل، علل اثباتی و ریشه‌ها، زمینه‌ها و عوامل، و علل ثبوت (مسعودی، ۱۳۸۵، ص ۳۱)، دلایل نظری قواعد حقوقی (شایان‌مهر، ۱۳۹۳، ص ۵۳۲)، مجموع پیش‌فرض‌ها یا اصول موضوعه و متعارف، پیش‌فرض‌های کلان و اصول موضوعه کلامی و فلسفی علوم و دلایل اثبات یک نظریه (بهجت‌پور، ۱۳۹۲، ص ۲۳)، مبانی، مجموعه زیرساخت‌های فکری و باورهای است که زیربنای آرا و نظریه‌های سیاسی قرار می‌گیرند و اندیشه سیاسی، مکتب یا تحلیل هر مؤلفه‌ای در سیاست متأثر از آن است (عمیدزنجانی، ۱۳۸۳، ص ۲۵۶؛ حقیقت، ۱۳۸۵، ص ۲۶-۲۷). در تفسیر سیاسی، با دو دسته از مبانی روبرو هستیم: ۱. مبانی فلسفه علمی تفسیرسیاسی (مانند ضرورت، امکان، مشروعیت و حجیت تفسیر سیاسی)، که با نگاه بیرونی به تفسیر سیاسی ارائه می‌شود و مقدم بر مبانی دیگرند. ۲. مبانی دانشی تفسیر سیاسی (مانند مبانی هستی‌شناختی، انسان‌شناختی معرفت‌شناختی)، که نگاه درونی به تفسیر سیاسی دارند، محتوایی و مربوط به متن هستند و مبانی ارجاعی، و چارچوبی نامیده می‌شوند. در این تحقیق، به مبانی گروه اول می‌پردازیم. منظور، پیش‌فرض‌ها و باورهای اعتقادی و زیرساخت‌های فکری بنیادین (همچون امکان تفسیر سیاسی؛ ضرورت؛ حجیت و...) است که بیان‌های دانس تفسیر سیاسی بر آنها تکیه دارد و توصیه‌هایی را پایه‌ریزی می‌کنند که عملیات تفسیر سیاسی را برای وصول به اهدافش هدایت و روش و منطق عملیات تفسیر سیاسی را ارائه می‌کنند.

۲. معرفی ساختار مبانی فلسفه علمی تفسیر سیاسی

مفسر سیاسی، پیش از ورود به تفسیر، مبانی فلسفه علمی تفسیر سیاسی را پذیرفته و پیش از پذیرش آنها، سخن گفتن از تفسیر سیاسی غیرموجه است.

۲-۱. امکان تفسیر سیاسی

برای تشریح امکان تفسیر سیاسی، لازم است وجود آموزه‌های سیاسی در حد ساماندهی به تفسیر سیاسی در قرآن و قرار گرفتن آموزه‌های سیاسی قرآن، در شمار اهداف قرآن اثبات شود و قابلیت تعمیم مدلول‌ها و عبارات سیاسی آن،

به زمان حاضر و امکان فهم پدیده‌های سیاسی به‌عنوان مقدمه تفسیر سیاسی، همچنین سازگاری روش علم سیاست، با روش فهم قرآن و اعتبار تفسیر سیاسی اثبات شود.

آموزه‌های سیاسی در حد ساماندهی به تفسیر سیاسی در قرآن

قرآن مشتمل برآموزه‌های سیاسی فراوانی است. مانند جهاد، هجرت، مبارزه انبیا با حکومت‌های طاغوتی، امر به معروف و نهی از منکر، قضاوت، زمامداری پیامبران و...؛ افزون بر اینکه، اصولاً قرآن بر عدم جدایی سعادت اخروی از زندگی اجتماعی سیاسی دنیوی تأکید دارد و راه دستیابی به سعادت اخروی را عنایت به مسائل دنیایی در چارچوب آموزه‌های اسلامی معرفی می‌کنند (ر.ک: طباطبائی، ۱۳۱۷ق، ص ۹۲-۱۳۳)، مانند: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اصْبِرُوا وَصَابِرُوا وَرَاطِبُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ» (آل عمران: ۲۰۰)؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، شکیبا باشید و یکدیگر را به شکیبایی فرا خوانید و (در ارتباط با رهبر و همدیگر) مرزبان (اسلام) باشید و تقوا پیشه کنید، باشد که رستگار شوید.

علامه، مقصود از رابطه را پدید آوردن اجتماع و برقراری ارتباط میان نیروها و کارهای آنان، در همه شئون زندگی دینی می‌داند و با توضیحاتی با عنوان «کلام فی المرابطه فی المجتمع الاسلامی» نشان می‌دهد دین در همه امور اجتماعی و سیاسی حضور جدی دارد (طباطبائی، ۱۳۱۷ق، ج ۴، ص ۹۲).

حاشیه‌ای نبودن بودن آموزه‌های سیاسی قرآن

هدف قرآن، تکامل انسان و رساندن او به قرب الهی و وصل به مبدا هستی است (واقعه: ۱۰-۱۱؛ توبه: ۱۰۰) و می‌کوشد بشر با التزام به مجموعه‌ای از حقوق و تکالیف، که حاصل ربوبیت تشریحی الهی است، حیات طیبه خود را تأمین کند (نور: ۵۲؛ واقعه: ۸۸-۹۴؛ آل عمران: ۱۹۵). از سوی دیگر، حیات اجتماعی و سیاسی، بخش مهمی از عرصه زندگی بشر است. قرآن این بُعد از حیات پیامبران و حکومت‌های طاغوتی را به شدت مورد عنایت قرار داده است. مانند توجه به درگیری‌های موسی علیه السلام با حکومت طاغوتی فرعون، ابراهیم علیه السلام با نمرود، حکومت حضرت سلیمان. در مجموع، قرآن در پی تأمین هدف اصلی خداوند از خلقت بشر (عبودیت) است و آموزه‌های مربوط به حیات سیاسی از این منظر، بخشی از آموزه‌های دین برای تأمین سعادت بشر می‌باشد.

قابلیت تعمیم مدلول‌ها و عبارات سیاسی قرآن به زمان حاضر و توان پاسخگویی به نیازهای سیاسی عصر

یکی از جلوه‌های اعجاز قرآن و فلسفه خاتمیت، کارکرد قرآن به‌عنوان متن دینی برای حیات فردی، اجتماعی، سیاسی بشر تا ابد است. در روایات تأکید می‌شود قرآن برای همه زمان‌هاست. مسئله جری و تطبیق، از ظرفیت‌های قرآن در این مورد است. قرآن، از نظر انطباق مفاهیمش با مصادیق و نمونه‌های خارجی و تبیین وضعیت‌ها (هدایت یا گمراهی) آنان، گستره ویژه‌ای دارد؛ زیرا آیات آن منحصر به مورد نزولش نیست، بلکه در هر موردی که ملاک مورد نزول باشد، جاری می‌شود (طباطبائی، ۱۳۱۷ق، ج ۳، ص ۶۷). بر اساس روایات، قرآن مانند آفتاب و ماه در حال حرکت است (صفا، ۱۴۰۴ق، ج ۱، ص ۱۹۶؛ عیاشی، ۱۳۸۰ق، ج ۲، ص ۲۰۳) و در هر عصری، مصادیقی را تحت پوشش قرار خواهد

داد. آموزه‌های فراوانی از قرآن، اصول ثابت و غیرقابل تغییری را در زمینه سیاست، و ویژگی‌های حاکم، مشخص کرده است. از مسائلی چون حق حاکمیت الهی، اختصاص حق ربوبیت سیاسی به خداوند، نصب ولی امر، مسئله مشورت، تکالیف سیاسی و... بارها سخن می‌گوید، اما مقتضیات زمان و مکان را هم رعایت می‌کند و اموری چون شکل حکومت و سایر ابعاد فرعی را به نظر مردم وا می‌گذارد. البته در آن هم باید درچارچوب آموزه‌های اصلی اعمال نظر کنند. از این منظر، مقررات مربوط به کلیه امور و فعالیت‌های دنیایی و اجتماعی و سیاسی انسان، به طور مشخص و خاص در قرآن وجود دارد و یا به صورت کلی، در متن موجود و مطابق مقتضیات و شرایط زمان و مکان قابل تعمیم و تفسیرند. برای نمونه، در آغاز سوره «بقره»، ویژگی‌های کافران و منافقان بیان می‌شود. مانند اینکه در عین افساد، ادعای اصلاح دارند(بقره: ۱۱)؛ یا هنگامی که با افراد باایمان روبرو می‌شوند، می‌گویند: ما ایمان آورده‌ایم، ولی هنگامی که با شیطان‌های خود خلوت می‌کنند، می‌گویند: ما با شماستیم، فقط آنها را مسخره می‌کنیم(بقره: ۱۴). این آیات، هرچند در شرایط خاص نازل شده، ولی اگر در هر زمانی، افراد یا گروه‌هایی این ویژگی‌ها را داشته باشند، از باب «جری و تطبیق»، می‌توان آنان را از مصادیق آیات دانست.

امکان فهم پدیده‌های سیاسی به‌عنوان مقدمه تفسیر سیاسی

آیات فراوانی در مورد پدیده‌های سیاسی، مانند حکومت، مبارزه علیه حاکمان مشاهده می‌شود. از یک سویی، یکی از صفات خداوند، حکمت و هدفداری اوست و او کار لغو و باطل انجام نمی‌دهد(ص: ۲۷). اگر فهم پدیده‌های سیاسی برای بشر مقدور نبود، بیانشان در قرآن و تکلیف کردن به بشر، در مورد نوع تعامل با پدیده‌های سیاسی، مانند لزوم هجرت، لزوم جهاد(آل‌عمران: ۱۹۵) و معافیت‌ها از امور سیاسی و حکومتی(توبه: ۹۱) و... لغو بود. این از ساحت خدای حکیم دور است.

قابل جمع بودن روش علم سیاست(تجربی، عقلی) با روش فهم قرآن

قرآن کریم، هر چند خود منبع وحیانی و نقلی است، اما منابع معرفتی متعددی چون حس، تجربه، عقل(حشر: ۲۱) را متناسب با ظرفیت‌های هریک، به رسمیت شناخته است. آیاتی هم به استفاده از این ابزارها، مانند چشم و گوش و عقل توجه دارند. قرآن ابزارهای مادی و فرامادی(حسی، تجربی، عقلی و قلبی) را به ما معرفی می‌کند که با قوای ادراکی، می‌توان پدیده‌های سیاسی را نیز شناخت(ر.ک: جوادی آملی، ۱۳۷۹، ص ۳۹۷). ولی طبق دیدگاه برخی مکاتب سیاسی، هر نوع ابزار فرامادی برای شناخت، انکار می‌شود. ابزار معرفت منحصر در حس و تجربه یا عقل معرفی می‌گردد، و متناسب با آن، روش‌هایی برای مطالعه سیاست پیشنهاد می‌شود(روش‌های مطالعه علم سیاست را تاریخی، مشاهده، تجربی، تطبیقی، فلسفی معرفی کرده‌اند. برخی حتی روش فلسفی را چون واقع‌گرا نمی‌دانند، غیرعلمی دانسته و رد کرده‌اند)(ر.ک: عالم، ۱۳۹۱، ص ۴۹-۴۱)، ولی پای وحی، که با قلب ادراک می‌شود، و دین وحیانی، از سیاست کوتاه می‌شود. درحالی که قرآن نه تنها تعارضی با استفاده از این منابع در تفسیر سیاسی ندارد که از آنها در این مسیر کمک گرفته می‌شود. اما نکته اصلی حاکمیت وحی و قرآن و روایت، بر ابزارهای مذکور است و بر

مبنای مبانی معرفت شناختی، تنها خداوند احاطه علمی کامل به مصالح ظاهری و واقعی، علنی و پنهان، دنیایی و اخروی بشر دارد (ر.ک: قصص: ۶۹؛ ۷۱-۷۷؛ آل عمران: ۳۹؛ سبا: ۴؛ انعام: ۵۹؛ ملک: ۴)، ولی ابزار عقلی بشر، دچار محدودیت‌ها در حوزه شبهات علمی و شهوات عملی است، از این رو، با حاکمیت وحی در تفسیر سیاسی، روش تجربی در محدوده خود به کمک خواهد آمد، نه فراتر از آن، و از تفسیر به رأی و تطبیق قرآن بر دانش سیاسی پیشگیری خواهد شد (ر.ک: جوادی‌آملی، ۱۳۸۱، ص ۴۷؛ همو، ۱۳۹۱، ص ۵۶۶).

اعتبار تفسیر سیاسی به جهت معتبر بودن ارزش معرفتی گزاره‌های سیاسی قرآن

بر اساس آنچه بیان شد، گزاره‌های سیاسی قرآن، دارای ارزش معرفتی‌اند. معرفت معتبر به آنها نیز ممکن است. این امکان، مقدمه لازم اعتبار تفسیر سیاسی است. اگر تفسیر از طرق معتبر و منابع و ابزارهای معتبر صورت گیرد، معتبر، و گرنه نامعتبر خواهد بود. اما نکته مهم اینکه به رغم تفاسیر پراکنده در لابه‌لای تفسیر، تا امروز شاهد تفاسیر سیاسی مستقلی نبوده‌ایم. از این منظر، شاید سخن گفتن از تفسیر سیاسی، به‌عنوان دانش مستقل، مشکل باشد. اما در پاسخ به این دغدغه نیز گفته می‌شود که تفاسیر سیاسی موضوعی متعددی تاکنون نگاشته شده است. از آیات امامت در دوران گذشته، تا تفاسیر سیاسی موضوعی جدید در باب حکومت، سیاست، دموکراسی، جامعه مدنی، مشورت و شورا، و دهها موضوع دیگر را می‌توان نام برد.

۲-۲. مشروعیت و جواز تفسیر سیاسی

بعد از تثبیت امکان تفسیر سیاسی، سخن در این است که آیا چنین تفسیری از متن دین، مشروع است؟ لازم است با نشان دادن تفاسیر پیامبر ﷺ و ائمه علیهم‌السلام و سیره آنان، در استفاده عملی از تفسیر سیاسی و دلایل دیگر، مشروعیت و جواز آن تبیین شود، از جمله اینکه پیامبر و ائمه علیهم‌السلام مردم را از استدلال و احتجاج به آیات سیاسی باز نمی‌داشتند. همین‌طور دلایل متعددی بر جواز تفسیر توسط غیر معصوم ارائه شده است. مفسر غیر معصوم، به هر میزان مبانی، اصول و قواعد تفسیر را به کار ببرد، تفسیرش به همان نسبت، واقع‌نمایی خواهد داشت.

تفسیرهای سیاسی معصومان و سیره آنان در استفاده عملی از آن

متون تفسیری و روایی ما، نمونه‌هایی از تفاسیر پیامبر ﷺ در مورد آیات سیاسی قرآن را نشان می‌دهد. البته این مسئله در مورد ائمه علیهم‌السلام بیشتر نمود دارد: این خود دلیل بر مشروع بودن چنین تفسیری است. برای مثال، آیه اولی الامر (نسا: ۵۹)، از آیات مربوط به اطاعت از خدا، رسول ﷺ و اولی الامر است. وقتی جابر بن عبد الله نصاری، از «اولی الامر» سؤال کرد، پیامبر ﷺ توضیح داد: «آنان جانشینان من و امامان مسلمانان پس از من هستند که اول ایشان علی بن ابی طالب است و پس از او، به ترتیب حسن و حسین و علی بن الحسین و محمد بن علی...» (قدوزی، ۱۳۰۲ق، ص ۴۹۴). طبرسی روایت می‌کند: امام حسن علیه‌السلام آیه «وَالشَّجَرَةَ الْمَلْعُونَةَ فِی الْقُرْآنِ وَ نَحْوَهُمْ فَمَا یَزِیدُهُمْ إِلَّا طُغْيَانًا کَبِیرًا»، را به نقل از پیامبر از جبرئیل به مروان و ذریه‌اش تفسیر

کرد (طبرسی، ۱۳۶۱، ص ۲۷۹) و از امام صادق علیه السلام نقل می‌شود که امام علی علیه السلام به یکی از صحابه فرمود: در مورد بنی امیه نازل شده است (عباشی، ۱۳۸۰، ج ۲، ص ۳۲۰).

عدم ردع از استدلال و احتجاج به آیات سیاسی از سوی پیامبر و ائمه علیهم السلام

در میان دستورهای ائمه علیهم السلام در مورد منع از تفسیر سیاسی چیزی وجود ندارد، با اینکه برخی مانند معاویه، چنین معنی را وضع کردند. وی به‌طور خاص، مانع تفسیر آیات مربوط به امیرمؤمنان علی علیه السلام و فضائل و مقامات و رهبری ایشان، مانند حدیث غدیر و انذار و... و به‌طور خاص، ابن عباس را از این نوع تفسیر منع می‌کرد. در سفری به مدینه، به ابن عباس گفت: به همه سرزمین اسلامی نامه نوشتیم که کسی حق ندارد از مناقب علی و خاندانش چیزی نقل کند. پس تو نیز زبانت را نگه دار و چیزی مگو... تأویل و تفسیر آیات را از کسانی بپرسید که مطابق تفسیر و تأویل تو و اهل بیت تو تفسیر نمی‌کنند... اگر ناچار از نقل آیاتی شدی که درباره شما نازل شده، پنهانی نقل کن که کسی آن را آشکارا از شما نشنود (طبرسی، ۱۳۶۱، ج ۲، ص ۱۶).

جواز تفسیر سیاسی برای غیر معصوم

جواز و عدم جواز تفسیر توسط غیر معصوم معرکه آراست. البته دلایل متعددی بر جواز آن بیان شده و اکثر قریب به اتفاق، آن را پذیرفته‌اند. اگر مفسر مبانی، اصول و قواعد تفسیر را کامل و درست به کار گیرد، تفسیرش واقع‌نماست و خطاهای تفسیر برخاسته از عدم آگاهی، از این مبانی، اصول و قواعد یا به کار نگرفتن آگاهانه و ناآگاهانه آنهاست. البته به دلیل خطاپذیری انسان، ادعای فهم واقع‌نمای همه آیات، از هیچ مفسری پذیرفته نیست. شاید به همین دلیل، در روایات آمده است: علم کامل و جامع تفسیر قرآن ویژه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و ائمه علیهم السلام است (خراسانی، بی‌تا، ص ۳۲۴؛ موسوی خویی، ۱۹۸۱م، ص ۲۶۳-۲۷۲). علامه طباطبائی، در مقدمه تفسیر خود، به تفصیل در مورد جواز تفسیر و تفسیر قرآن به قرآن برای مفسران سخن می‌گوید (طباطبائی، ۱۴۱۷، ج ۱، ص ۱۵-۱۸). در مجموع، فقها و اندیشمندان مانعی در این مسیر ندیده، حتی خود در مسیر نگارش این تفاسیر تلاش کرده‌اند.

۲-۳. ضرورت تفسیر سیاسی

علاوه بر ضرورت‌هایی که تفسیر را به صورت عام لازم می‌سازند، برخی موارد به‌طور خاص، ما را به سمت تفسیر سیاسی سوق می‌دهد. ضرورت ادای تکلیف و احقاق حقوق، در حیات سیاسی برای مخاطبان امروزی قرآن و نیازمندی مسلمانان به دانش سیاسی، بر محوریت قرآن از جمله این ضرورت‌هاست. همچنین، دسترسی به تشریحات سیاسی قرآن، برای مهندسی حیات سیاسی، ابتدای نظام اسلامی بر تشریحات مذکور، جلوگیری از سلطه علوم انسانی غربی بر مدیریت زندگی سیاسی، تولید الگوها و بنیان‌های قرآنی برای تشکیل دولت و نقشه‌راه، پاسخ قرآنی به شبهات کلان سیاسی و جلوگیری از رخنه در مبانی اعتقادی نظام اسلامی، برون رفت از تجویزات فلسفه‌های سیاسی معارض اعتبارسنجی‌شان با مبانی قرآنی معتبر، بخش مهمی از این ضرورت‌ها می‌باشند.

ضرورت ادای تکلیف و احقاق حقوق در حیات سیاسی

کشف بایدها و نبایدها، تکالیف و حقوق فردی و اجتماعی از قرآن و عمل به دستورات خداوند، مهم‌ترین دغدغه مخاطب قرآن است. در آیات متعدد، به اطاعت از خدا و رسول و... امر شده است، مانند «قُلْ أَطِيعُوا اللَّهَ...» (آل عمران: ۳۲؛ رک: همان: ۱۳۲؛ نساء: ۵۹؛ مائده: ۹۲). و بشر با عبودیت و اطاعت، سعادت و تکامل خود را فراهم می‌آورد. او قرآن را کتاب هدایت (بقره: ۱۸۵)، برهان (نساء: ۱۷۴)، بلاغ (ابراهیم: ۵۲)، بیان (آل عمران: ۱۳۸)، بیّنات (عنکبوت: ۴۹)، تبیان (نحل: ۸۹)، نور (اعراف: ۱۵۷)، هادی (جن: ۲-۱)، به تشریحات الهی در عرصه‌های مختلف حیات، از جمله حیات سیاسی بشر می‌داند. این انتظار از قرآن، که دارای «جامعیت هدایت بخشی‌اش» هست، زمانی برآورده می‌شود که بتوان از منظر نیازها و انتظارات سیاسی هم به آن نگریست و به پرسش‌های بشر در عرصه مدیریت حیات سیاسی پاسخ داد. این مطالبه به‌طور کامل، با تفسیر سیاسی تأمین‌پذیر خواهد بود؛ زیرا عرصه برای مفسر گسترده می‌شود تا دغدغه‌های سیاسی مخاطبان را در نظر بگیرد و برای آنها پاسخ یابد و مکلف بتواند تکالیف و حقوق سیاسی خود را با اطمینان بشناسد.

نیازمندی مسلمانان به تولید دانش سیاسی

حیات سیاسی بشر، همواره در حال جریان است؛ او منتظر نمی‌ماند که مکتب خاصی در حیات فردی یا سیاسی به وی عرضه شود و تعاملات حیاتی خود را تا آن موقع متوقف نمی‌سازد. به همین دلیل، دانش‌ها مانند دانش سیاسی و اقتصادی پس از آن شکل می‌گیرند که پدیده سیاست و اقتصاد در جامعه شکل گرفته‌اند. دانش‌ها بر مبنای توصیف واقعیت‌ها و نوع تعامل‌ها، طراحی می‌شوند. این مسئله موجب می‌شود جامعه ما نیز متوقف و منتظر مهندسی دانش سیاسی اسلامی نماند و شرایط سیاسی خود را با دانشی مدیریت کند که محصول مکاتب موجود غربی است. حاصل آن بروز دوگانگی‌ها میان باورها و دانش‌های سیاسی و اقتصادی موجود در جامعه اسلامی است، از این رو، اسلامی شدن علوم انسانی ضرورت می‌یابد (حسینی خامنه‌ای، ۱۳۸۲). با عنایت به این واقعیت، تنها راه مطمئن مراجعه به متن وحیانی و تحریف نشده دین (قرآن)، برای مهندسی دانشی است که توان اداره حیات سیاسی جامعه دینی را داشته باشد. چنین نیازی ما را قانع می‌کند به تولید دانش سیاسی بر محوریت قرآن کریم و البته در سایه فهم و تفاسیر ائمه معصومین^{علیهم‌السلام} در حد ممکن اهتمام ورزیم.

لزوم دسترسی به تشریحات و آموزه‌های سیاسی برای مهندسی مدیریت حیات سیاسی

تدبیر حیات سیاسی بر مبنای اسلامی و قرآنی، زمانی ممکن است که مخاطبان به تشریحات قرآن در حوزه سیاسی دسترسی داشته باشند. این زمانی ممکن است که تفسیر این گزاره‌ها و فهم دقیق و معتبر آنها را در اختیار داشته باشد. این اعتبار، زمانی تحقق می‌یابد که تفسیر از متن قرآن مبتنی بر مجموعه‌ای نظام‌مند از مبانی و اصول باشد و با قواعد و روشی تولید شود که آن مبانی و اصول مجاز می‌دانند. از این رو، تفسیر سیاسی ضرورت می‌یابد.

ضرورت ابتدای نظام حکومتی جمهوری اسلامی بر تشریحات قرآن

نظام اسلامی ما بر اساس اسلام طراحی شده است. در چارچوب ارزش‌های اسلامی و دینی است که می‌توان به‌طور مطلق از مردم‌سالاری حمایت کرد (حسینی خامنه‌ای، ۲۲ مهر ۱۳۸۲). از این رو، باید مبانی آن هم بر اساس اصلی‌ترین منبع دینی (قرآن) سامان یابد. و این امر زمانی ممکن است که تفسیر معتبری از این مبانی داشته باشیم. ولی علوم انسانی از جمله علم سیاست در کشور ما، عموماً بر مبانی غربی متعارض با مبانی قرآنی و اسلامی، و مبتنی بر فهم دیگری از عالم آفرینش و نگاه مادی به هستی تأسیس شده است. لذا با تولید، تفسیر سیاسی معتبر، باید مبانی سیاست را در قرآن یافت تا صاحب‌نظران بتوانند بنیان رفیعی با تکیه بر این پایه بنا کنند (حسینی خامنه‌ای، ۱۳۸۸).

جلوگیری از سلطه علوم انسانی وارداتی بر مدیریت زندگی سیاسی

با اینکه حیات فردی و جمعی، با علوم انسانی مدیریت می‌شود، «تقابل علوم سیاسی وارداتی»، با «علم سیاسی»، که باید آن را در منظومه آموزه‌های قرآنی، معرفت سیاسی شمرد» از اساسی‌ترین چالش‌های عصر حاضر است. برون‌داد سلطه علوم انسانی وارداتی بر مدیریت زندگی اجتماعی و سیاسی، بروز معضلات متعدد برای جامعه و نظام اسلامی است. این امر ما را نیازمند «تحول در علوم انسانی»، از جمله در سیاست در چهار سطح تأسیس مبانی؛ منطق روش‌شناسی؛ تولید گزاره‌های علوم انسانی و نظام‌پردازی می‌سازد. همچنین، علوم انسانی شامل گزاره‌های هنجاری و توصیفی و سه دسته گزاره «بایدها و نبایدها، شایدها و نشایدها، هست‌ها و نیست‌ها» است. سرنوشت دو گروه نخست، در گرو نوع نگاه به گروه سوم است (رشاد، ۶ اسفند ۹۴). جملگی این امور، با تفسیر سیاسی به صورت جامع و معتبر و منضبط در اختیار خواهد بود. از هر نوع سوءاستفاده، سوءفهم و نادیده انگاشتن روش‌ها و اصول و مبانی تفسیری پیشگیری خواهد شد و با تولید معرفت سیاسی دقیق، مانع مهمی در مسیر سلطه مذکور پدید خواهد آمد.

ضرورت تولید الگو و بنیان‌های قرآنی برای تشکیل دولت و نقشه راه

ضرورت دیگر ارایه تفسیر سیاسی، این است که تهیه الگوی قرآنی از زیر ساخت‌های توانمند برای مهندسی بناهای سیاسی متناسب با این تفسیر ممکن است. از این رو، تاکنون شاهد تولید تفکرات انحرافی و التقاطی در این حوزه بوده‌ایم. اما بنیانگذار انقلاب اسلامی، علوم انسانی (از جمله سیاست) را محتاج انسان‌های متعهد داشته، معتقد بود: «انسانی که تعهد به قواعد اسلام ندارد و تعهد به آن زیربنایی که توحید است ندارد، در علوم انسانی نمی‌تواند عملی انجام بدهد الا انحراف، و این قابل پذیرش نیست» (خمینی، ۱۳۶۴، ج ۱۴، ص ۲۹۲)؛ به ویژه که امروزه با تشکیل و استمرار نظام سیاسی اسلامی، مهم‌ترین دشمنی‌ها با آن از طریق مبارزات مبنایی و تشکیک در مبناهای حاکمیت اسلامی سامان می‌پذیرد (ر.ک: حسینی خامنه‌ای، ۲۵ اسفند ۱۳۹۴).

پاسخ قرآنی به شبهات در حوزه مسائل کلان سیاسی

همواره شبهات فراوانی در حوزه مسائل کلان سیاسی، فلسفه سیاسی و رخنه‌افکنی در مبانی اعتقادی و ارزشی نظام

اسلامی تولید می‌شود (ر.ک: سروش، ۱۳۸۶، ص ۱۲۶-۱۳۳؛ جمعی از نویسندگان، ۱۳۷۹، ص ۱۲۳-۴۸۵؛ جمعی از طلاب، ۱۳۸۲، ص ۳-۶۴) که نیازمند ارائه پاسخ‌های قرآن‌منا است. ولی در عمل آنچه شاهدیم ارائه پاسخ‌هایی با مبانی غیراسلامی است که خود، بر دامنه تولید این شبهات افزوده، موجب بی‌اعتقادی به تعالیم اسلامی و ترویج شکاکیت در مبانی دینی و اعتقادی را فراهم آورده است (ر.ک: حسینی خامنه‌ای، ۸ شهریور، ۱۳۸۸). برای مثال، در حالی که طبق مبانی قرآنی مهمی مانند جامعیت قلمروی قرآن (مصباح، ۱۳۹۰، ج ۱، ص ۲۴۲؛ جوادی آملی، ۱۳۸۳ الف، ص ۲۸۹)، حیات اجتماعی و سیاسی، در کنار حیات فردی، بخشی از قلمروی گسترده رسالتی است که قرآن کریم، هدایت بشر را در آن عرصه بر عهده دارد (ر.ک: سروش، ۱۳۸۶، ص ۱۹۱-۲۳۹). از این منظر، جدا نبودن دین از سیاست، جزو اصول فکری مسلم متصدیان انقلاب اسلامی است (ر.ک: حسینی خامنه‌ای؛ ۲۲ اردیبهشت ۱۳۸۲؛ همو، ۱۹ شهریور ۱۳۸۰)؛ شبهه جدایی دین از سیاست و اختصاص قلمرو دین به اموری چون خدا و آخرت (ر.ک: بازرگان، ۱۳۷۷؛ عبدالرازق، ۱۴۱۳؛ سروش، ۱۳۸۶، ص ۱۲۰-۱۴۲) مطرح می‌شود که اساس بسیاری از شبهات علیه دخالت دین در عرصه حیات سیاسی، از جمله تشکیل نظام اسلامی در عصر حاضر است (ر.ک: جوادی آملی، ۱۳۸۱) ارائه پاسخ‌های مبتنی بر تفسیر قرآن کریم و برداشت‌های دقیق سیاسی از آیات، می‌تواند گام مهمی در استحکام پایه‌های نظام مبتنی بر اسلام باشد. این نکته نیز از مهم‌ترین دلایل ضرورت تولید تفسیر سیاسی است.

ضرورت برون رفت از تجویزات فلسفه‌های سیاسی معارض در عرصه حیات سیاسی

هر فلسفه سیاسی، با استواری بر بنیان‌های فکری خاصی در ابعاد گوناگون هستی‌شناختی، انسان‌شناختی، معرفت‌شناختی، به پرسش‌های سیاست پاسخ می‌دهد برای مثال، سیاست در مکاتب الحادی، نتیجه عینیت‌گرایی مطلق حاکم بر اندیشه معاصر غرب است و با مبانی خاص خود، به پرسش‌های بنیادین درباره انسان و هستی پاسخ می‌دهد و با گزاره‌های مبنایی دینی، در پی شناخت سیاست و پاسخ به مسائلش نمی‌رود (ر.ک: رشاد، ۱۳۸۹). تمایز فلسفه‌های سیاسی، گاه تا مرز تعارض پیش می‌رود و پاسخ‌ها مبتنی بر مجموعه‌ای از مبانی است. فیلسوف سیاسی، نمی‌تواند بدون کاربست مبانی، وارد مرحله پاسخگویی به پرسش‌ها شود. همچنین تنها راه برون‌رفت از فلسفه‌های متعارض و پاسخ‌های متضاد به پرسش‌ها و پدیده‌های سیاسی مانند حکومت، و اعمال و رفتار سیاسی، و امکان سنجش اعتبار مبانی هر فلسفه سیاسی، دسترسی به مبناهایی است که از ملاک صحت و اعتبار برخوردار باشند و امکان سنجش اعتبار آن هم مقدور باشد. چنین ظرفیتی در متن مقدس قرآن وجود دارد؛ وحی می‌تواند مبانی صحیح ارائه کند و کشف و تبیین آنها، در «چارچوب وحی‌پذیری» دارای اعتبار علمی شایسته خواهد بود. با تفسیر معتبر سیاسی، می‌توان به این هدف به صورت مطمئن و دور از آسیب‌هایی که تفاسیر سیاسی بی‌پشتوانه از مبانی، اصول و قواعد دچار آن هستند، به مسائل سیاست پاسخ قرآنی داد.

۲-۴. حجیت تفسیر سیاسی

در اصل تفسیر، مبنای حجیت ظواهر را به خلاف اخباری‌ها پذیرفته و معتقدیم ظاهر الفاظ قرآن، از جمله آیات

سیاسی آن، حجت است. البته تفصیل این بحث در کتب اصولی آمده است (خراسانی، بی‌تا، ص ۲۸۰ به بعد؛ مظفر، ۱۳۸۶، ج ۳، ص ۱۵۶)، نزد همه مفسران و کسانی که همچون فقها در آیات الاحکام بر ظواهر قرآن استناد جسته اند، نیز مبانی و ادله آن تحلیل شده است (مودب، ۱۳۸۶، ص ۱۱۵؛ شاکر، ۱۳۸۲، ص ۱۳۶). آیات دال بر تدبر و بیان بودن قرآن و روایات ثقلین و... از دلایل حجیت ظواهر قرآن هستند. اما دلایل برخی محدثان و اخباریان در عدم حجیت ظواهر کافی و تمام نیست (شاکر، ۱۳۸۲، ص ۱۳۲). نتیجه حجت بودن ظواهر، آیات سیاسی، این است که مفسر سیاسی در فهم روشمند خود، از ظواهر آیات دارای حجت است. در صورت اصابت به واقع، نتیجه حاصله منجز خواهد بود و ملزم به عمل به آن است. اما در صورت خطا بودن نیز معذور عند الله است. با توجه به اینکه اعمال سیاسی شهروندان و حاکمان، باید دارای معیار و ملاک معتبری باشد، اگر تفسیر سیاسی با رعایت ضوابط گفته شده عرضه گردد و دارای اعتبار علمی باشد، توان این را خواهد داشت که مبنا و معیار برای عمل سیاسی قرار گیرد. با برخورداری از معیار و مبانی معتبر، نظام حقوق و تکالیف سیاسی قابل عرضه می‌گردد. در چنین وضعیتی، مسائل مهم سیاسی مانند حق آزادی، حق انتخاب، حق انتقاد، و یا تکالیف متعدد، پاسخ قرآن، مبنا خواهند گرفت.

۵-۲. منابع تفسیر سیاسی

منابع متعددی برای تفسیر شمرده شده است. زرکشی، آن را چهار منبع می‌داند (زرکشی، بی‌تا، ج ۱، ص ۱۵۶-۱۶۱). برخی، مهم‌ترین منابع را (قرآن، سنت، عقل) (جوادی‌آملی، ۱۳۸۳، ج ۱، ص ۵۷)، عده‌ای شامل لغت، قواعد ادبی، قرآن، احادیث، عقل، اجماع، شهود عرفانی دانسته‌اند (شاکر، ۱۳۸۲، ص ۱۰۷). برخی اقوال مفسران، علوم تجربی، منابع تاریخی و جغرافیایی، علوم قرآن، اجماع، اقوال صحابه، و تابعان را نیز افزوده‌اند (رضایی اصفهانی، ۱۳۸۵، ص ۲۸). تفسیر سیاسی دارای منابع مشترک با دیگر انواع تفاسیر و منابع خاص است. در شمار منابع عام، از عقل و نقل و از منابع خاص آن، به دانش‌های اجتماعی، سیاسی و تجربه‌های سیاسی می‌توان اشاره کرد.

منابع عام و مشترک

گروه اول از منابع تفسیر سیاسی عام و مشترک بین همه تفاسیر هستند و نقش مهمی در شکل‌گیری اصل تفسیری بودن، عملیات مفسر دارند و بدون آنها، اصلاً تفسیر به طور عام از جمله در عرصه سیاسی ممکن نیست. قرآن کریم، روایات و سنت، عقل، و منابعی چون شهود، و اقوال مفسران (با شرایط خاص)، از این دست منابع‌اند. در اینجا که به معرفی آنها می‌پردازیم.

قرآن کریم

آیات قرآن، اولین منبع مهم مفسر از جمله در تفسیر سیاسی است (رک: طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۳، ص ۶۴). علاوه بر برخی روایات (نهج البلاغه، خ ۱۳۳، مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۹، ص ۱۲۷)، علامه از مهم‌ترین طرفداران منبعیت قرآن است (رک: طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱، ص ۱۱؛ ج ۱۷، ص ۳۵۶) و به ارتباط معنایی آیات باهم، بویژه آیات درون هر سوره تأکید

می‌کند(همان، ج ۱، ص ۱۶). این شیوه در مورد برخی مفسران مثل ابن عباس، ذیل آیه ۸۱ انبیاء(رک: طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۳، ص ۹۲) و حسن بصری ذیل آیه ۳۷ بقره(رک: سیوطی، ۱۴۰۴ق، ج ۱۰، ص ۵۹) گزارش شده است. برای نمونه، در مورد تکلیف سیاسی جهاد، این مسئله مطرح است که آیا جهاد به طور مطلق بر تکلیف حج مقدم است، یا تقدم تکلیف جهاد مقید به شرایطی است؟ در این زمینه، دو تفسیر ارائه شده است. تفسیر اول، مبتنی بر برداشت از «ظاهر آیه» است که نشان می‌دهد تکلیف جهاد، مطلقاً مقدم است. تفسیر دوم بر مبنای «منع قرار دادن آیه دیگر» است که نشان می‌دهد این تکلیف در شرایط خاصی، بر حج مقدم خواهد شد، نه مطلقاً. عباد بصری، در راه مکه امام علی بن الحسین علیه السلام را دید و به وی گفت: جهاد و دشواری آن را ترک کردی و به حج و آسانی آن روی آوردی. و آیه ۱۱۱ توبه را خواند. امام سجاد علیه السلام در پاسخ فرمود: آیه را تمام بگو. پس از آن خدا فرموده است: «الْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ الْحَامِدُونَ السَّائِغُونَ الرَّاكِعُونَ السَّاجِدُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَالنَّاهُونَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَالْحَافِظُونَ لِحُدُودِ اللَّهِ وَبَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ» (توبه: ۱۱۲). در ادامه فرمود: هرگاه این افراد که وصفشان در قرآن آمده است را دیدیم، جهاد به همراهشان از حج پرفصلیت‌تر است(حویزی، ۱۴۱۵ق، ج ۲، ص ۲۷۲، ح ۳۸۵). در این گفت‌وگو، امام برای اینکه نشان دهد تفسیر عباد بصری از آیه غلط است، و مطلق جهاد به اتفاق هر کسی باشد، از حج برتر نیست، به سیاق آیه بعد استناد کرد و اطلاق «المؤمنین» در آیه اول را به صفاتی که در آیه بعد آمده است، مقید کرد. همین‌گونه است، مسئله امر به معروف و نهی از منکر(آل عمران: ۱۰۴) که در سیاست و حکومت‌داری اسلامی مطرح است. امام صادق علیه السلام با استفاده از آیه دیگر، توضیح می‌دهد چون «من» در آیه «مِنْ قَوْمٍ مُّؤَسَّىٰ أُمَّةٌ يَّهْدُونَ بِالْحَقِّ وَبِهِ يَعْدِلُونَ» (اعراف: ۱۵۹)، در «تبعیض» ظهور دارد، در این آیه نیز تبعیضیه است و حکم آیه به گروهی از مسلمانان، نه همه اختصاص دارد. آیه دلیل است که دو فریضه تنها بر «فرد قدرتمندی که فرمانش اطاعت شود و معروف را از منکر تشخیص دهد»، واجب است(کلینی، ۱۳۶۱، ج ۵، ص ۶۲).

سنت و روایات

سنت معصومین و «روایت»: - حکایت و گزارش، قول، فعل و تقریر معصوم علیهم السلام (عاملی، ۱۳۹۶، ص ۲؛ مامقانی، ۱۴۱۱ق، ج ۱، ص ۵۷)، منبع دیگر تفسیر سیاسی است که از زمان نزول وحی تاکنون منبع بودن آن توسط فریقین پذیرفته شده است. برخی آیات پیامبر صلی الله علیه و آله را اولین مفسر، و تفسیرش را حجت می‌شمرند(نحل: ۴۴؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۳، ص ۵۵۸). علامه، توضیح می‌دهد مردم بدون واسطه نمی‌توانند به معارف الهی دست یابند، به ناچار باید کسی مبعوث شود که به تبیین و تعلیم قرآن بپردازد و «لتبین» غایت انزال است(طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۲، ص ۲۶۰). روایت‌های متعددی نیز قول، فعل و تقریر معصومان را منبع می‌دانند. مانند روایت‌ها در تفسیر «الراسخون فی العلم» (آل عمران: ۷) که رسول صلی الله علیه و آله راسخ در علم دانسته شده است. خداوند او را از تنزیل و تاویل همه آنچه بر او نازل کرد، آگاه نمود و اوصیای او نیز به تاویل و تنزیل آگاه‌اند(کلینی، ۱۳۶۱، ج ۱، ص ۲۱۳). سیره علما نیز همواره استفاده از سنت و روایات در تفسیر آیات سیاسی، مانند آیات ولایت، امامت، بوده است(رک: طباطبائی، ۱۳۷۲، ص ۶۱). مثال‌های ذیل، عنوان

«منبعیت قرآن»، (تفسیر امام علی بن حسین علیه السلام در مورد مطلق نبودن وجوب جهاد و... و تفسیر امام صادق علیه السلام در مورد اختصاص وجوب امر به معروف و نهی از منکر، به بعضی مسلمانان؛ نه همه و وجوب بر فرد قدرتمند مطاع و تشخیص دهنده معروف از منکر)، می‌تواند برای منبع بودن سنت و روایت نیز مورد استناد باشند. /بوصیر از امام صادق علیه السلام در مورد شأن نزول و تعیین مصداق آیه «اولی الامر»، پرسید. حضرت پاسخ داد که در شأن علی بن ابی طالب و حسن و حسین علیهم السلام نازل شده است. وی پرسید: مردم می‌گویند: پس چرا از علی و خاندانش در قرآن نام برده نشده است؟ امام نقش منبع بودن و نقش تعلیمی رسول خدا را یادآور شده، فرمود: به آنان بگویید (آیه وجوب) نماز بر پیامبر صلی الله علیه و آله نازل شد، ولی خداوند از تعداد آنکه سه یا چهار است، چیزی نگفت: تا آنکه پیامبر صلی الله علیه و آله برای مردم تفسیر کرد، (آیه وجوب) زکات نازل شد، ولی اینکه باید از هر چهل درهم، یک درهم داده شود، بیانی نرسید تا اینکه پیامبر تفسیر کرد... (کلینی، ۱۳۶۱، ج ۱، ص ۲۸۶، ح ۱؛ مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۳۵، ص ۲۱۰-۲۱۱). امام علی علیه السلام نیز واجب بودن لزوم ولایت خود را دارای ریشه قرآنی و «سنت» معرفی می‌کند (کلینی، ۱۳۶۱، ج ۸، ص ۵۹). همچنین نمونه‌ای از این مبنا و التزام به آن را در مورد تفسیر آیه ۵۹ نسا، از علامه طباطبائی می‌توان توضیح داد (طباطبائی، ۱۴۱۷، ج ۴، ص ۳۸۷ و ۴۰۹-۴۱۳). البته در آثار برخی قرآن‌گرایان، این مبنا کنار نهاده می‌شود که شکل افراطی آن در قرون اخیر بیشتر قابل رصد است؛ از جمله در شبه قاره هند، که راه‌حل مشکلات سیاسی و اجتماعی و عقب‌ماندگی جامعه اسلامی را در نادیده انگاشتن سایر منابع شریعت و اکتفا به قرآن تلقی کرد. از اثرگذارترین حرکت‌ها در این زمینه، حرکت سر سیلاحمدخان بود (ر.ک: خان محمدی، ۱۳۹۲، ج ۱، ص ۳۶۷-۴۲۶).

عقل

یکی دیگر از مبانی مشترک هم تفاسیر از جمله تفسیر سیاسی، منبعیت عقل است (ر.ک: خان محمدی، ۱۳۹۲، ج ۱، ص ۹۵-۸۷) و از مهم‌ترین منابع تفسیر شمرده می‌شود (ر.ک: خوبی، ۱۴۰۱، ص ۱۳؛ جوادی آملی، ۱۳۸۳، ج ۱، ص ۵۷) و معیار مهم فهم اصول کلی معارف، و تمییز حق از باطل است. در تفسیر سیاسی، در مواردی می‌توان بر اساس عقل، آرا و اقوال را بررسی و آیات را تحلیل کرد و احتجاجات و استدلال‌های عقلی زیادی از سوی موافقان و مخالفان سیاسی ذیل آیات مرتبط با مسائل سیاسی ارائه شده است. *آیت‌الله جوادی*، منبع سوم را عقل برهانی می‌داند که از گزند مغالطه، وهم و آسیب تخیل مصون باشد (جوادی آملی، ۱۳۸۳، ج ۱، ص ۵۷ و ۱۶۹). ایشان در مورد «تفسیر عقلی» و عقل منبع در تفسیر، توضیح می‌دهد که تفسیر عقلی، یا به تطفن عقل از شواهد داخلی و خارجی صورت می‌پذیرد و عقل فرزانه و تیزبین معنای آیه را از جمع‌بندی آیات و روایات درمی‌یابد که عقل، نقش مصباحی دارد... یا به استنباط برخی مبادی تصویری و تصدقی، از منبع ذاتی عقل برهانی و علوم متعارفه صورت می‌پذیرد که عقل نقش منبع دارد (جوادی آملی، ۱۳۸۳، ج ۱، ص ۱۷۰). *آیت‌الله معرفت* هم در «تفسیر اجتهادی»، بر درایت و عقل، بیشتر از روایت و نقل تاکید دارد؛ چون معیار سنجش و بررسی در آن، اندیشه و تدبیر است (معرفت، ۱۳۸۰، ج ۲، ص ۲۲۶). علامه *فضل‌الله* نیز که تفسیرش «من وحی القرآن» دارای گرایشات اجتماعی و سیاسی است، بر اهمیت عقل و براهین

عقلی در فهم آیات قرآن تأکید دارد و در فهم آیات، نگاه خود را عقلی می‌خواند. بر این اساس، عقل ملاک حجیت ظواهر قرآن معرفی شده است. آیات سازگار با حکم عقل حجت و آیات ناسازگار با حکم عقل، حجت نخواهد بود. البته هر چند وی عقل را معیار حجیت و عدم حجیت ظواهر معرفی می‌کند (فضل‌الله، ۱۴۱۹ق، ج ۱، ص ۱۹)، اما از پذیرش توانایی عقل در فهم و شناخت تمامی موضوعات و معیار دانستن آن، در نپذیرفتن ظواهر آیات حذر می‌کند (همان، ج ۱، ص ۲۶۷). علامه بحث مهمی در عدالت اجتماعی ذیل آیه «ان الله يامر بالعدل والاحسان» (نحل: ۹۰)، به میان می‌کشد و نتیجه می‌گیرد که خدا دستور می‌دهد هر یک از افراد اجتماع عدالت را بیاورد. وی، لازمه عقلی آن را این می‌داند که امر متعلق به مجموع نیز باشد. به این ترتیب، هم فرد مأمور به اقامه این حکم است و هم جامعه، که حکومت عهده‌دار زمام آن است (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۲، ص ۳۳). همچنین در تفسیر آیه ۵۹ نساء، با استفاده از ملازمات عقلی، مطالب بسیار مهمی به دست می‌آورد (همو، ۱۳۷۴، ج ۴، ص ۱۴-۶۲۸).

سایر منابع

تفسیر سیاسی، منابع مشترکی با دیگر تفاسیر نیز می‌تواند داشته باشد، مانند: «شهود» (ر.ک: معرفت، ۱۳۸۰، ج ۲، ص ۳۶۷ و ۳۸۲، خمینی، ۱۳۷۹، ج ۱۷، ص ۴۵۸). به اعتقاد برخی مفسران، در فهم آیات باید از کشف و شهود هم بهره برد و برخی آیات هم موید این نگاه دانست. برای نمونه/امین/الاسلام طبرسی در ذیل آیه ۲۹ انفال «یا ایها الذین آمنوا ان تتقوا الله یجعل لکم فرقانا»، مقصود از فرقان را هدایت و نور در قلب‌ها می‌دند که با آن، حق و باطل را تمیز می‌دهند (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۲، ص ۸۲۴) علامه، گستره این فرقان بودن را به اعتقاد و عمل می‌کشاند و می‌نویسد: «مقصود فرقان بین حق و باطل است، چه در اعتقاد یا در عمل و یا رأی و نظر به تمایز بین درست یا نادرست (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۹، ص ۵۶). اگر یافته‌های شهودی، سازگار با محتوای دیگر آیات و روایات معتبر و دلایل عقلی متقن باشد، معتبر خواهد بود، مانند برداشت صدرالمتألهین ذیل آیه «لاکلون من شجر من ذقوم» (واقعه: ۵۲) که می‌گوید: «وآن درخت نفس‌پلید است که از فطرت عقلی به سبب اعتقادات تباهی، که آن را به تباهی کشیده، تغییر یافته است. پس، درخت زقوم مثالی است برای نفوس پیشوایان و رؤسای گمراهی، آنان که بدعتگذاران و مدعیان آموزش و ارشادند» (صدرالمتألهین، ۱۳۶۳، ص ۱۷۸ و ۶۶).

«لغت» (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۱، ص ۹۴). آگاهی‌هایی زبان‌شناختی همچون معانی لغات و کاربرد آنها در عصر نزول، در تفسیر سیاسی پرکاربرد است. مثل اینکه لغاتی چون «بیعت» یا «حکومت» در عصر نزول، چه معنایی داشت، آیا حکومت صرفاً در قضاوت به کار می‌رفت، یا معنایی وسع‌تر و به معنای دولت و حکومت امروزی هم داشت؟ در این زمینه، برخی مفسران مانند ابن عباس (ر.ک: طبری، ۱۴۱۲ق، ج ۱۷، ص ۱۴۳؛ سیوطی، بی‌تا، ج ۱، ص ۳۸۲)، از شعر عرب و محاورات عرفی آنها در تفسیر برخی واژگان استفاده می‌کردند. برای مثال، مسئله حرجی بودن برخی احکام سیاسی، می‌تواند از موضوعات مهم در تفسیر باشد که در بخش قواعد تفسیر سیاسی نیز مورد عنایت است. در معنای این واژه، در آیه «ما جعل علیکم فی الدین من حرج» (حج: ۷۸)، ابن عباس، از عرب بادیه نشینی معنای آن را پرسید و او

گفت: به معنای «ضیق» است (طبری، ۱۴۱۲ق، ج ۱۷، ص ۱۴۳). در مثالی دیگر، می‌توان گفت که یکی از موضوعات مهم سیاسی «مشارکت و همکاری و تعاون ملی است. در آیه‌ای از قرآن، از «تعاون بر اثم» نهی می‌شود. مفسر باید بداند این واژه، هنگام نزول به چه معنایی بود و در اصطلاح قرآنی، به چه معناست؟ این واژه، در لغت به معنای «بطئی و تاخیر» آمده است (راغب، بی‌تا، ص ۵)، ولی در اصطلاح قرآنی، به معنای «گناه» به کار رفته است.

«اقوال مفسران» (ر.ک: طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۲، ص ۲۶۱، ابن کثیر، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۳، زرکشی، بی‌تا، ج ۲، ص ۱۵۶، معرفت، ۱۴۱۹ق، ج ۱، ص ۳۰۱، ۳۰۵، ۳۰۷، ص ۲۴۰-۲۴۴)، تنها راهگشای آشنایی با قرآن و برداشت‌های تفسیری مفسر است و حجیتی برای او ندارد؛ زیرا معصوم نیستند تا کلامشان حجت شرعی و منبع استنباط احکام و حکم شریعت باشد (جوادی آملی، ۱۳۸۶، ج ۱، ص ۲۳۳).

منابع خاص

بخشی دیگر از منابع مخصوص تفسیر سیاسی و از مهم‌ترین آنها، دانش‌های سیاسی و به طور عام دانش‌های اجتماعی است. این دانش‌ها ابعاد گوناگونی از موضوعات تا نظام مسائل سیاسی را در اختیار مفسر قرار می‌دهند. او با وسعت نظر و ذهنی سرشار از موضوعات فراوان مرتبط با سیاست، به سراغ قرآن می‌رود. همچنین تجربه‌های تاریخی، اجتماعی، سیاسی بشری آنگاه که در اختیار مفسر سیاسی قرار گیرد، می‌تواند از آن در مسیر تربیت جامعه و مدیریت حیات بشری در تفسیر بهره ببرد.

دانش‌های سیاسی و اجتماعی

در علوم انسانی، مانند جامعه‌شناسی و سیاست، از «روش تجربه» استفاده می‌شود. دانش حاصل «آزمون و تجربه» بشر، و دارای دو نوع علوم قطعی و ظنی است (رضایی اصفهانی، ۱۳۷۶، ص ۱۸۵). مفسرانی مانند فخر رازی، طنطاوی، طالقانی، طباطبائی و مکارم شیرازی، به این نوع تفسیر توجه داشته‌اند (مودب، ۱۳۸۶، ص ۳۴۵). برخی مانند غزالی و زرکشی، معتقد به وجود همه علوم تجربی در قرآن هستند و در ذیل آیات مربوط به مسائل طبیعی، به مستندات علوم تجربی استناد می‌کنند. ولی کسانی مانند ذهبی، منکر این شمول‌اند. علامه طباطبائی به‌رغم نقد تفسیر علمی به صورت مطلق، به علت احتمال تحمیل نظریات علمی بر قرآن در مواردی از علوم تجربی، برای فهم آیه استفاده کرده‌اند (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۸، ص ۳۸۲). سیقطب نیز با نقد مطلق بودن علوم تجربی در قرآن، به علت عدم ثبات مطالب علمی و احتمال انحراف مفسر و ایجاد تفسیر به رأی، منبع بودن علوم تجربی را در مواردی که موجب فهم بهتر آیات می‌شود، صحیح می‌داند (سیدقطب، ۱۴۱۱ق، ج ۱، ص ۲۶۰). آیت‌الله معرفت، استفاده از قطعیات علوم تجربی برای فهم معانی قرآن را لازم می‌داند؛ زیرا اشاراتی در آیات قرآن هست که بدون استفاده از علوم تجربی، فهم آنها ممکن نیست (معرفت، ۱۴۱۱ق، ج ۶ ص ۲۵). به‌رغم اختلافات مذکور، می‌توان گفت: هرچند در تفسیر قطعی آیات از این علوم استفاده نمی‌شود، ولی برای «فهم بهتر»، می‌توان از آنها استفاده کرد (مودب، ۱۳۸۶، ص ۳۴۶-۳۴۷). همچنین، این منابع در موارد متعدد دیگری مثل «موضوع‌شناسی» و «تشخیص مسائل جدید سیاسی» برای عرضه به قرآن کریم

و استنتاج قرآن در این موضوعات و شناسایی فهرست مسائل برای تنظیم فهرست جامع «نظام مسائل سیاسی»، برای تعیین اولویت‌ها و تقدیم و تأخیرهای مسائل و تبیین ابتدای مسائل سیاسی بر مسائل کلان‌تر، کارکرد دارند. همچنین در مورد دستاوردهای علوم اجتماعی و سیاسی، در مواردی که به بدهات عقلی و تجربی رسیده باشند، به استناد منبعیت عقل و...، می‌توان استناد کرد. اینها دلیل نیازمندی به علوم اجتماعی، سیاسی در تفسیر سیاسی است.

تجربه‌های تاریخی، اجتماعی، سیاسی بشری

بشر دارای تجربه‌های تاریخی مهمی، در چگونگی تدبیرحیات اجتماعی و سیاسی است. قرآن هم او را دعوت به عبرت گرفتن از سرنوشت اقوام مختلف می‌کند و می‌خواهد بشر از علل ناکامی و گرفتاریشان آگاه شود و تجربه بیندوزد و دلایل طغیان و عصیان و رواج ظلم و ستمگری در میان آنها و در نهایت، اضمحلال تمدن‌های انسانی را بشناسد و با سنت‌های الهی در حیات اجتماعی، سیاسی آشنا گردد و نتایج مخالفت با این سنن را ببیند و با استفاده از این تجربه‌ها، مسیر درست حیات سیاسی و اجتماعی را بیابد. برخورداری از این تجربیات، برای مفسر سیاسی افق‌هایی نو خواهد گشود و او با بصیرت و توان مشاهده افق‌های رفتاری مختلف، در تفسیر آیات می‌کوشد و در مواردی، چون تولید مسائل جدید سیاسی و پاسخ به آنها، موفق خواهد بود. تجربیات و اندوخته‌های تاریخی، اجتماعی، سیاسی بشری در فهم نص کارایی دارد. اصولاً هدف قرآن از بیان تجربه‌ها این است که جامعه از آنها برای مدیریت حیات بشری بهره‌برد و مفسر سیاسی نیز می‌خواهد این نکات را آشکار، و جامعه را تربیت کند. بخشی از منابع، تفسیر سیاسی را باید در تاریخ و تجربه‌های بشری جستجو کرد (ر.ک: ایازی، ۱۳۷۸، ص ۵۴). علت عمده رویکرد سیاسی به قرآن، در عصرهای مشخصی مانند عصر حاضر، این است که مفسران با برخوردارگی از این تجربیات، به مسائل جدیدی رسیده و سعی در استنتاج قرآن در این موارد دارند. مانند تفسیر فی ظلال القرآن سید ابن قطب: *التحریر و التتویر* شیخ محمد طاهر (ابن عاشور)؛ *المنار* (تفسیر القرآن العظیم) به انشای شیخ محمد عبده، و املائی رشید رضا؛ *من الوحی القرآن*، سید محمد حسین فضل‌الله؛ *تفسیر نمونه آیت‌الله مکارم شیرازی* و ده‌ها تفسیر سیاسی موضوعی و موردی که مفسران حول مسائل سیاسی جدید، مانند جامعه مدنی، انتخابات، حقوق حکومت، آزادی سیاسی، حقوق شهروندان، و... می‌نگارند (مانند آثار متعدد آیت‌الله مصباح؛ *آیت‌الله جوادی آملی*؛ و...)، که عموماً برای مفسران سابق به دلیل نداشتن منبع تجربه، چنین مسائلی پدید نمی‌آمد تا بخواهند در پی پاسخ و تفسیر قرآن از این منظر، هم برآیند. برای نمونه، *آیت‌الله طالقانی در پرتوی از قرآن*، بر تاریخ اسلام در تفسیر آیات سیاسی تأکید دارد. وی در تفسیر سوره آل عمران، برای تبیین آیات ناظر به جنگ احد و بدر، از تاریخ صدر اسلام استفاده زیادی دارد و محیط نزول آیات را بررسی و تجزیه و تحلیل می‌کند (طالقانی، ۱۳۸۲، ج ۱، ص ۱۰). سید قطب نیز در تفسیر آیه ۳۸ شوری از تاریخ نزول در تفسیر کمک می‌گیرد و توضیح می‌دهد که مکی بودن آیات، نشان می‌دهد توجه جماعت مسلمانان به مسئله شورا، بسیار عمیق و فراتر از نظام سیاسی برای تشکیل دولت است (سید قطب، ۱۴۱۱ق، ج ۵، ص ۳۱۶۰-۳۱۶۱).

۲-۶. اهداف قرآن (شمول اهداف قرآن نسبت به مباحث حیات سیاسی و قلمروی سیاسی قرآن)

قرآن اهداف متعددی برای حیات بشر معرفی کرده، نزول آن برای رساندن بشر، به اهداف معینی است که در چند دسته‌گایی، میانی و مستقیم قابل معرفی است. در این میان، حیات سیاسی به‌عنوان بخشی مهم از حیات بشر در قرآن، دارای اهدافی مهم است که دسترسی به آنها در تفسیر آیات کارگشاست و شرط تفسیر صحیح آیات، مبتنی بر کشف و تبیین آنهاست. مهم‌ترین این اهداف، در این بخش معرفی می‌شود.

اهداف غایی

بر اساس «حکیمانه بودن افعال الهی» و «جامعیت» و «هدایت‌گری قرآن» و گسترش آموزه‌های قرآن به همه ابعاد حیات، این کتاب قلمروی سیاسی نیز می‌یابد و تحت هدفمندی کل قرآن قرار می‌گیرد. قرآن اهداف سیاسی نیز دارد. اهداف آن نسبت به مباحث سیاسی شمولیت می‌یابد و اهداف سیاسی‌اش زیرمجموعه هدف غایی قرآن است. این هدف را «قرب به خداوند» دانسته و توضیح داده‌اند که خداوند تکویناً به انسان نزدیک است (ق: ۱۶؛ بقره: ۱۸۶) و تشریحاً با جعل نظام حقوق و وظایف سیاسی، خواهان قرب انسان به خود است و اطاعت از آموزه‌های الهی، در حوزه سیاسی موجب همسانی نظام تکوین و تشریح در قرب به خداست (ر.ک: مصباح، ۱۳۹۰، ج ۱، ص ۲۴۲؛ همو، ۱۳۷۸، ج ۱، ص ۱۱۹؛ همو، ۱۳۷۳، ص ۵۴؛ جوادی آملی، ۱۳۸۳، الف، ص ۲۸۹). قرب الهی، نتیجه مستقیم انجام دستورهای دینی است. هر موجودی که قدمی در راه کمال مقدر خویش پیش رود و مرحله‌ای از مراحل کمالاتش را طی کند، راه قرب الهی را می‌پیماید. انسان نیز یکی از موجودات عالم است (ر.ک: کلینی، ۱۳۶۱، ج ۲، ص ۲۵۲). «هدف برین آن است که از آیه اول سوره ابراهیم و مانند آن، استنباط می‌شود و نورانی شدن جامعه معنای حقیقی دارد، نه صرفاً اعتباری و مجازی. هدف پایانی، نیل روح متکامل به مقام شهود حقیقت، انسان کامل شدن و به مقام نورانیت قلب رسیدن است» (جوادی آملی، ۱۳۸۴، ص ۲۳۰). این هدف، در حیات سیاسی نیز دنبال می‌شود، قرآن آموزه‌هایش را بر مبنای هدایت بشر در حیات سیاسی و... ارائه می‌کند. در نتیجه، مفسر سیاسی باید این هدف را در آموزه‌های قرآن جست‌وجو کند. در تفسیر آیات بر مبنای «ضرورت هدایت سیاسی بشر»، به تفسیر و تولید الزامات گزاره‌های قرآن پردازد؛ جامعه‌ای را آرمان قرآن بداند که در بُعد سیاسی به قرب الهی می‌رسد و سازوکارهای رسیدن به قرب الهی را بیابد و به مخاطبان‌اش ارائه دهد، و در تفسیر، این هدف را در اهداف میانی و اخیر سیاسی دخالت داده، نتیجه اهداف دیگر بسازد.

اهداف میانی

هدف تکامل در مرتبه پایین‌تر از هدف غایی قرار دارد. وصول به مرتبه تقرب و لقای خدایی که کمال مطلق است، نیازمند این است که انسان پله‌های کمال را بپیماید. رابطه ایمان و عمل صالح در همه عرصه‌های اجتماعی و سیاسی و... با سعادت اخروی (ر.ک: بقره: ۱۱۰؛ زلزال: ۴-۸)، یا رابطه کفر و گناه با بدبختی اخروی (ر.ک: مؤمن: ۴۵؛ نساء: ۱۰) تکوینی است. صعود و سقوط بشر و پاداش و کیفریابی به دلیل صعود و سقوط، رابطه‌ای عینی است، هر نوع رفتار یا عمل سیاسی در دنیا، به صورت ملکوتی در آخرت نمایان می‌شود و آن وجود ملکوتی، عین عمل انسان و

پاداش و کیفر اخروی است (ر.ک: آل عمران: ۳۰؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۲، ص ۵۰۶). علامه طباطبائی، تکالیف را احسان خدا به بنده می‌داند و چگونگی ایجاد کمال با تکالیف را توضیح می‌دهد. وی معتقد است:

نوع بشر دارای گونه‌ای از وجود است که جز با یک سلسله افعال اختیاری و ارادی که خود ناشی از اعتقادات نظری و عملی است، به کمال نمی‌رسد. پس ناگزیر باید تحت سلطه قوانین زندگی کند؛ پس خدایی که جهان تکوین را ایجاد کرده باید برای آن یک سلسله اوامر و نواهی را تشریح کند. از سوی دیگر حوادث اجتماعی و فردی را پدید آورد تا انسان در برخورد با این دو، آنچه در قوه و استعداد دارد را فعلیت دهد و در آخر یا سعادت‌مند شود و یا شقی و بدبخت گردد و آنچه در باطن وجودش هست به ظهور برسد (طباطبائی، ۱۴۱۷، ج ۴، ص ۳۳۹ و ۳۴۰-۱۴۲؛ همو، ج ۱، ص ۳۲۴).

به دلیل نیاز انسان به تکامل «وحي و نبوت»، هرگز از بشریت جدا نمی‌شود (ر.ک: بینه: ۱-۳؛ ر.ک: نساء: ۱۶۴ - ۱۶۶؛ طه: ۱۳۲-۱۳۴؛ ملک: ۸-۹) و التزام به نظام حقوق و تکالیف موجود در قرآن، در عرصه‌های سیاسی و...، تهذیب و سازندگی و اخلاص در پی می‌آورد. فاصله‌ها و موانع بین انسان و خدا را بر می‌دارد و موجب کمال آدمی است (ر.ک: جوادى آملی، ۱۳۸۶، ج ۱۰، ص ۴۴۵-۴۴۸). با وجود اهداف میانی سیاسی، مفسر باید بکوشد به این اهداف دست یابد. این اهداف را در تفسیر آیات به کار ببرد، برای تامین اهداف میانی سیاسی قرآن در حیات سیاسی آیات را به استنتاج درآورد و تفسیر سیاسی را ضروری بداند.

اهداف قریب

قرآن متناسب با هر وضعیت و توصیه، اهداف معین و موردی نیز دارد. مثلاً با جهاد هدف معینی و بلا واسطه‌ای را تعقیب می‌کند، یا با مشورت هدف خاصی دارد. همین‌طور است مهاجرت، امر به معروف و نهی از منکر، تولی و تبری سیاسی و سایر آموزه‌ها و تکالیف که اهدافی چون امنیت، عدالت، رفاه، عزت، و... در پی دارند؛ در جای خود شایسته معرفی‌اند، ورود موردی به آنها در مجال این مقاله نیست. از این منظر، قرآن دارای اهداف سیاسی است و همین مفسر را ملزم به کشف این اهداف و تلاش برای تامین آنها می‌کند.

۲-۷. فواید تفسیر سیاسی

مبنای دیگر تفسیر سیاسی، فایده‌مندی آن است. می‌توان فواید مهمی را برای این سبک تفسیری برشمرد که مهم‌ترین آنها عبارتند از: دستیابی به نگاه جامع به مسائل سیاسی و مهندسی قرآنی سیاست؛ کشف نظام مسائل سیاسی؛ پرهیز از جزئی نگری و برخورداری از نگرش جامع به موضوعات سیاست و امکان اولویت بندی، رتبه بندی و توضیح منطقی ترتب مسائل سیاسی؛ امکان تحلیل چالش‌های سیاسی با عنایت به جایگاه هر یک در هندسه نظام مسائل؛ تسهیل دستیابی به فلسفه سیاسی قرآنی و نظام سیاسی قرآنی؛ گسترش و تعمیق نگاه سیاسی به مقوله تفسیر. فایده‌مندی تفسیر سیاسی، اصول و الزاماتی را در تفسیر سیاسی ایجاد می‌کند که مفسر سیاسی باید در بحث اصول تفسیر سیاسی به آنها عنایت داشته باشد.

عملیات تفسیری در ابعاد گوناگون اعتقادی، فقهی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی، همواره پیگیری، و برای برخی از آنها مبانی، اصول و قواعدی تنظیم شده و به صورت دانش‌های تفسیری مطرح شده‌اند. ولی تفسیر سیاسی، چنین سازمانی نیافته است. گام نخست سامان‌دادن به تفسیر سیاسی، ارائه مبانی فلسفه تفسیر سیاسی قرآن کریم است که مفسر پیش از ورود به تفسیر سیاسی آنها را می‌پذیرد و شامل مبانی فلسفه علمی و مبانی دانشی؛ مانند مبانی هستی‌شناختی، انسان‌شناختی معرفت‌شناختی است. معرفی ساختار برای گروه اول، نیازمند اتخاذ مبنا در چند مسئله مهم است. در پاسخ به مسئله «امکان تفسیر سیاسی»، باید گفت: آموزه‌های سیاسی در حد ساماندهی به تفسیر سیاسی در قرآن هست. این آموزه‌ها در شمار اهداف قرآن جای دارند. مدلول‌ها و عبارات سیاسی آن، به زمان حاضر تعمیم‌پذیرند. امکان فهم پدیده‌های سیاسی وجود دارد، روش علم سیاست با روش فهم قرآن سازگار است و تفسیر سیاسی، دارای اعتبار می‌باشد. در نتیجه، تفسیر سیاسی ممکن خواهد بود. در پاسخ به این مسئله که «آیا تفسیر سیاسی قرآن، مشروع است»، متون تفسیری و روایی نمونه‌هایی از تفاسیر معصومان علیهم‌السلام را نشان می‌دهد که این، دلیل مشروعیت چنین تفسیری است. دلایل متعددی هم بر جواز تفسیر غیر معصوم معرفی شده است. مسئله سوم، «ضرورت تفسیر سیاسی» است. علاوه بر ضرورت‌های تفسیر عام، برخی موارد مانند «ضرورت ادای تکلیف و احقاق حقوق در حیات سیاسی برای مخاطبان امروز قرآن و نیازمندی مسلمانان، به دانش سیاسی بر محوریت قرآن، دسترسی به تشریحات سیاسی قرآن برای مهندسی حیات سیاسی و...». به طور خاص، ما را به سوی قبول «ضرورت تفسیر سیاسی» می‌کشاند. در مسئله «حجیت تفسیر سیاسی» در اصل تفسیر، مبنای حجیت ظواهر، پذیرفته شده است. مفسر سیاسی در فهم روشمند خود از ظواهر آیات، حجت دارد. اگر به واقع اصابت کند، نتیجه منجز و در صورت خطا، وی معذور است. مسئله دیگر، «منابع تفسیر سیاسی» است. منابع این تفسیر، مشترک یا خاص است. قرآن، سنت معصومین و «روایات»، از منابع گروه اول می‌باشند. هرچند در آثار برخی قرآنیان افراطی، منبیت روایات کنار نهاده می‌شود، منبیت عقل نیز پذیرفته شده است و منابع دیگر از جمله کشف و شهود؛ لغت، اقوال مفسران به‌عنوان راهگشای آشنایی با قرآن و برداشت‌های تفسیری مفسر، نه دارای حجیت نیز نام برده شده است. بخشی دیگر از منابع، مخصوص تفسیر سیاسی است. مانند «دانش‌های سیاسی» به طور خاص و دانش‌هایی که ابعاد مختلفی از موضوعات سیاسی تا نظام مسائل سیاسی را در اختیار مفسر قرار می‌دهند. مفسر از «تجربه‌های تاریخی، اجتماعی، سیاسی بشری» نیز در مسیر تربیت جامعه و مدیریت حیات بشری بهره می‌برد. «تعیین مبنا در مورد اهداف قرآن»، از مسائل است. مهم‌ترین آنها عبارتند از: اهداف غایی (قرب به خدا)، قرآن اهداف سیاسی دارد که زیرمجموعه هدف غایی قرآن‌اند. خداوند تشریحاً با جعل نظام حقوق و وظایف سیاسی، خواهان قرب انسان به خود است و اطاعت از آموزه‌های الهی در حوزه سیاسی، موجب همسانی نظام تکوین و تشریح در قرب به خداست. اهداف میانی یعنی تکامل بشر؛ وصول به مرتبه تقرب و لقای خدایی، نیازمند این است که انسان پله‌های کمال را پیماید. رابطه ایمان و عمل صالح، در همه عرصه‌های اجتماعی و سیاسی و... با سعادت اخروی، تکوینی است، هر

نوع رفتار سیاسی در دنیا، به صورت ملکوتی در آخرت نمایان می‌شود. اهداف قریب قرآن، متناسب با هر وضعیت و تکلیف، اهداف معین نیز دارد. سرانجام، «فایده‌مند بودن و نبودن تفسیر سیاسی»، نیازمند پاسخ‌یابی است. تفسیر سیاسی قرآن موجب دستیابی به نگاه جامع به مسائل سیاسی و مهندسی قرآنی سیاست می‌شود.

با آگاهی از مبانی و محتوای قرآنی، نظام مسائل سیاسی را مهندسی می‌کند و منطق قرآنی ترتب مسائل سیاسی را می‌تواند توضیح دهد. در این تحقیق، با پاسخ به این مسائل، مقدمه گام دوم شکل‌گیری تفسیر سیاسی فراهم شد. تحقیقات بعدی باید به سوی پاسخ به این مسئله پیش برود که مبانی عملیاتی تفسیر سیاسی کدامند؟ اصول برخاسته از این دو دسته، مبانی کدام‌اند؟ این مبانی و اصول، چه قواعدی را برای تفسیر سیاسی پیش روی ما می‌گذارند. نتیجه تحقیق از منظر دیگر قابل اشاره است. حاصل معرفی «مبانی فلسفه علمی برای تفسیر سیاسی»، می‌تواند محقق شدن یکی از «مقدمات شکل‌گرفتن علوم انسانی اسلامی» باشد. در صورت سامان دادن به تحقیقات مشابه در حوزه دانش‌های انسانی دیگر، تکون علوم انسانی اسلامی، به مقام تحقق نزدیک‌تر خواهد شد. همچنین، برای شکل‌گرفتن دانش تفسیر سیاسی، چند گام اصلی مورد نیاز است: گام نخست، معرفی «مبانی فلسفه علمی تفسیر سیاسی». گام دوم، کشف مبانی دانشی. گام سوم، استخراج اصول. سرانجام، گام چهارم ارائه قواعد تفسیر سیاسی است. با توجه به هندسه شکل‌گیری نهایی این دانش، نتیجه تحقیق، محقق کردن گام اول، و تولید «مبانی فلسفه علمی تفسیر سیاسی قرآن» است که با پذیرش آن، مبانی عملیات این نوع تفسیر نیز فرصت تولید می‌یابد.

منابع

قرآن کریم
نهج البلاغه

ابن کثیر دمشقی، اسماعیل، ۱۴۰۷ق، *تفسیر القرآن العظیم*، بیروت، دار المعرفه.

یاززی، سیدمحمدعلی، ۱۳۷۸، *قرآن و تفسیر عصری*، چ دوم، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.

بازرگان، مهدی، ۱۳۷۷، *آخرت و خدا: هدف رسالت انبیاء*، تهران، خدمات فرهنگی رسا.

بهجت‌پور، عبدالکریم، ۱۳۹۲، *تفسیر تنزیلی، مبانی، اصول، قواعد*، تهران، سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

جمعی از طلاب، ۱۳۸۲، *نمونه‌هایی از شباهت مطبوعات از اردیبهشت ۸۱ تا آبان ۱۳۸۱*، قم، انتشارات اسلامی.

جمعی از نویسندگان، ۱۳۷۹، *آزادی یا توطئه! نگاهی به کارنامه مطبوعات شبه‌افکن*، قم، فیضیه.

جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۷۹، *معرفت‌شناسی در قرآن*، چ دوم، قم، اسراء.

_____، ۱۳۸۱، *نسبت دین و دنیا، بررسی و نقد نظریه سکولاریزم*، قم، اسراء.

_____، ۱۳۸۳الف، *توحید در قرآن*، قم، اسراء.

_____، ۱۳۸۳ب، *تسنیم*، قم، اسراء.

_____، ۱۳۸۴، *حقی و تکلیف در اسلام*، قم، اسراء.

_____، ۱۳۸۶-۱۳۹۰، *تسنیم*، (کل دوره)، قم، اسراء.

حقیقت، سیدصادق، ۱۳۸۵، *مبانی، اصول و اهداف سیاست خارجی دولت اسلامی*، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.

حنیف‌نژاد، محمد، بی‌تا، *راه انبیاء راه بشر: ایدئولوژی کتاب سوم*، بی‌جا، سازمان مجاهدین خلق.

حویزی عروسی، عبد علی، ۱۴۱۵ق، *نور التقلین فی تفسیر القرآن*، قم، اسماعیلیان.

حسینی و جمعی از پژوهشگران، ۱۳۹۲، *مبانی معرفتی تفسیر سیاسی قرآن*، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.

حسینی خامنه‌ای، سیدعلی، ۱۳۹۲، *طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن*، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.

_____، ۱۳۸۶، *قرآن کتاب زندگی در آیین نگاه رهبر معظم انقلاب*، تهران، قدرو لایت.

_____، ۱۳۸۴، *سخنرانی در دیدار اساتید و دانشجویان دانشگاه امام صادق*، ۱۳۸۴/۱۰/۲۹.

_____، ۱۳۸۲، *سخنرانی در جمعی از دانشجویان زنجان*، ۱۳۸۲/۰۷/۲۲.

خان محمدی، یوسف، ۱۳۹۲، *تفسیر سیاسی قرآن در ایران معاصر*، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.

خراسانی، محمد کاظم، بی‌تا، *کفایة الاصول*، تهران، کتابفروشی اسلامی.

خمینی، روح الله، ۱۳۶۴، *صحیفه نور*، تهران، مرکز مدارک فرهنگی.

_____، ۱۳۷۹، *صحیفه امام*، چ سوم، تهران، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی

داوودی، صادق، اسم مستعار، بی‌تا، *توحید و ابعاد گوناگون آن*، بی‌جا، دفتر نشر کازمیه.

راغب اصفهانی، حسین بن محمد، بی‌تا، *مفردات قرآن*، تحقیق مرعشلی، قم، اسماعیلیان.

رشاد، علی اکبر، ۱۳۸۹، *منطق فهم دین؛ دیباچه‌ای بر روش‌شناسی اکتشاف گزاره‌ها و آموزه‌های دین*، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و

- _____، ۱۳۹۴ (۶ اسفند)، *راهبردهای تولید علوم انسانی اسلامی در حوزه*، نخستین همایش حوزه‌های علمیه و علوم انسانی اسلامی، دفتر تبلیغات اسلامی خراسان رضوی، وبگاه رسمی استاد علی اکبر رشاد.
- رضایی اصفهانی، محمدعلی، ۱۳۷۶، *درآمدی بر تفسیر علمی قرآن*، قم، اسوه.
- _____، ۱۳۸۵، *مبانی وقواعد تفسیر*، قم، جزوه آموزشی مرکز جهانی علوم اسلامی.
- زرکشی، بدرالدین، بی‌تا، *البرهان فی علوم القرآن*، بیروت، دار المعرفه.
- سروش، محمد، ۱۳۸۶، *دین و دولت در اندیشه اسلامی*، چ دوم، قم، بوستان کتاب.
- سیدقطب، ابراهیم حسین، ۱۴۱۱ق، *فی ظلال القرآن*، بیروت، دار الاحیاء التراث.
- سیوطی، جلال‌الدین، ۱۴۰۴، *الدرا المنثور فی تفسیر المأثور*، قم، کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی.
- _____، بی‌تا، *الاتقان فی علوم القرآن*، قم، منشورات رضی.
- شاکر، محمد کاظم، ۱۳۸۲، *مبانی و روشهای تفسیری*، قم، انتشارات مرکز جهانی علوم اسلامی.
- شایان مهر، علیرضا، ۱۳۹۳، *دایره‌المعارف تطبیقی علوم اجتماعی*، چ سوم، تهران، کیهان.
- صدرالمতالیهین، صدرالدین محمدبن ابراهیم، ۱۳۶۳، *تفسیر سوره واقعه*، ترجمه و تصحیح جواهری، تهران، انتشارات مولی.
- صفار، محمدبن حسن، ۱۴۰۴ق، *بصائر الدرجات فی فضائل آل محمد ﷺ*، چ دوم، قم، مکتبه آیه الله المرعشی النجفی.
- طالقانی، سید محمود، ۱۳۸۲، *پرتوی از قرآن*، چ دوم، تهران، شرکت سهامی انتشار.
- طباطبائی، سیدمحمدحسین، ۱۳۷۴، *تفسیر المیزان*، ترجمه موسوی همدانی، چ پنجم، قم، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، دفتر انتشارات اسلامی.
- _____، ۱۳۷۲، *قرآن در اسلام*، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
- _____، ۱۴۱۷ق، *المیزان فی تفسیر القرآن*، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
- طبرسی، احمدبن علی، ۱۳۶۱، *الاحتجاج*، مشهد، نشر المرتضی.
- طبرسی، فضل‌بن حسن، ۱۳۷۲، *مجمع البیان*، تهران، ناصر خسرو.
- طبری، حمدبن جریر، ۱۴۱۲ق، *جامع البیان عن تاویل آی القرآن*، بیروت، دار الکتب العلمیه.
- عالم، عبد الرحمان، ۱۳۹۱، *بنیادهای علم سیاست*، تهران، نی.
- عاملی، شیخ بهاء‌الدین، ۱۳۹۶ق، *الوجیز فی علم الدراریه*، قم، المکتبه الاسلامیه.
- عبدالرازق، علی، ۱۴۱۳، *الاسلام و اصول الحکم*، مصر، هیئة المصریة للکتاب.
- عمید زنجانی، عباسعلی، ۱۳۸۳-۱۳۸۵، *فقه سیاسی*، تهران، امیر کبیر.
- عیاشی، محمدبن مسعود، ۱۳۸۰ق، *التفسیر*، تهران، المطبعة العلمیه.
- فاکر میبیدی، محمد، ۱۳۹۱، *مبانی تفسیر روایی*، تهران، سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- فضل‌الله، سیدمحمدحسین، ۱۴۱۹، *من وحی القرآن*، بیروت، دارالملاک.
- فلاح پور، مجید، ۱۳۸۹، *اصول و روش تفسیری ملاصدرا*، تهران، انتشارات حکمت.
- قندوزی، سلیمان بن ابراهیم، ۱۳۰۲ق، *ینابیع المودة لنوی القری*، ترجمه، محمدعلی شاه محمدی، قم، بی نا.

- کلینی، محمدبن یعقوب، ۱۳۶۱، کافى، چ پنجم، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
- مامقانی، عبدالله، ۱۴۱۱ق، *مقیاس الهدایه فی علم الدرایه*، قم، موسسه آل البيت علیهم السلام.
- مجلسی، محمد باقر، ۱۴۰۳ق، بحار الانوار، بیروت، داراحیا التراث العربی.
- محسن مهاجر نیا، ۱۳۹۳، *فلسفه سیاسی آیت الله خامنه‌ای*، تهران، سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- مسعودی، محمد هاشم، ۱۳۸۵، *ماهیت و مبانی کلامی تکلیف*، قم؛ موسسه بوستان کتاب.
- مصباح، محمدتقی، ۱۳۹۰، *نظریه سیاسی اسلام*، چ چهارم، قم، موسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی علیه السلام.
- ظفر، محمدرضا، ۱۳۸۶، *اصول الفقه*، نجف، دارنعمان.
- معرفت، محمدهادی، ۱۳۸۰، *تفسیر و مفسران*، چ دوم، قم، موسسه فرهنگی تمهید.
- _____، ۱۴۱۱ق، *التمهید فی علوم القرآن*، قم، موسسه النشر الاسلامی.
- _____، ۱۴۱۹ق، *التفسیر و المفسرون فی ثوبه القشیب*، دانشگاه رضوی، مشهد.
- مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۷۴، *تفسیر نمونه*، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
- موسوی خویی، ابوالقاسم، ۱۹۸۱م، *البیان فی تفسیر القرآن*، ط.الثامنه، بی‌جا، دارانوار الهدی.
- مؤدب، سیدرضا، ۱۳۸۶، *مبانی تفسیر قرآن*، قم، انتشارات دانشگاه قم.
- نجم‌الدین شکیب، (مستعار)، بی‌تا، *پیام قرآن؛ تفسیر سوره‌های فرقان و نور*، بی‌جا، فروغ.